



# خواستگاری

ماجرای قتل مرد میانسال با توطئه مرگبار همسرش  
 یکی از خاطرات کارآگاه پلیس آگاهی تهران است

حرف‌هایم به سراغ برادرم و یکی از دوستانش رفت و از آنها خواست تا برای اجرای نقشه‌ای که در سر داشت او را کمک کنند. ما شده بودیم عروسک‌های خیمه شب‌بازی شهلا و بی‌آنکه بدانیم داشتیم کاری را انجام می‌دادیم که خواسته او بود.

زن جوان ادامه داد: از آن روز به بعد هر روز با شهلا تماس داشتم و او سعی می‌کرد جزئیات بیشتری را از نقشه‌اش در اختیار ما قرار دهد. طبق نقشه‌ای که او کشیده بود شهلا یک روز همراه بچه‌هایش از خانه خارج می‌شدند و پسرم همراه دوستانش باید به آنجا می‌رفتند و حجت را به قتل می‌رساندند.

## اعتراف به جنایت

با اعتراف زن میانسال به قتل بلافاصله تحقیقات برای دستگیری امیر و همدستانش آغاز شد. امیر با دیدن ما لب به اعتراف گشود و ماجرای جنایت را این‌طور تعریف کرد: وقتی مادرم از حجت و پیشنهادش برای ازدواج موقت به من گفت خون جلوی چشمانم را گرفت. با حس انتقام‌گیری سراغ دایی‌ام رفتم و ماجرا را برای او تعریف کردم. او هم از یکی از دوستانش کمک خواست. طبق نقشه‌ای که کشیده بودیم، قرار شد روزی که حجت در خانه تنهاست سراغش برویم. چند روز بعد مادرم اطلاع داد که همسر حجت خانه را برای اجرای نقشه ما خالی کرده و حجت تنهاست. سریع به خانه آنها در یکی از شهرهای حاشیه‌ای شهر رفتیم. با کلیدی که شهلا در اختیار ما قرار داده بود بی‌سروصدا وارد خانه شدیم. او در اتاق در حال استراحت بود. حجت به محض دیدن ما به سمتم آمد. او مرا می‌شناخت، خواست حرفی بزند که با چاقو به او حمله کردم. بعد از جنایت، خانه را با نفتی که از قبل تهیه کرده بودیم آتش‌زده و فرار کردیم. بعد از آن روز مدام صحنه جنایت جلوی چشمانم بود و یک لحظه هم نمی‌توانستم چهره حجت را فراموش کنم. من قربانی نقشه شومی شدم که شهلا برای رهایی از همسرش کشیده بود و مادرم نیز تحت‌تاثیر حرف‌های او مرا برای این جنایت ترغیب کرد.

با اعتراف امیر دو همدستش بازداشت شدند و شهلا نیز به اتهام معاونت در قتل بازداشت شد.

در ادامه تحقیقات سراغ یکی از دوستان صمیمی شهلا به نام روشک رفتیم. زن جوانی که با تصور این‌که حرف‌های شهلا درست است، سراغش رفته بود تا زندگی‌اش را نجات دهد. زن جوان در تحقیقات گفت: کارهایی را که شهلا گفته بود انجام بدهم تا زندگی‌ام بهتر شود، انجام دادم اما بی‌فایده بود. با این حال چون شهلا گوش شنوای خوبی بود مدام سراغش می‌رفتم و با او درد دل می‌کردم. چند وقت قبل به خانه شهلا رفتم اما او خانه نبود. حجت بعد از کمی مقدمه چینی از من خواستگاری کرد و خواست که به عقد موقت او درآیم. آن روز بدون حرفی از خانه‌شان بیرون آمدم ولی نتوانستم ماجرا را به شهلا نگویم. شهلا از شنیدن این ماجرا خیلی ناراحت شد؛ البته نه به‌خاطر این‌که شوهرش به من این پیشنهاد را داده بلکه به این دلیل که خودش بارها از جانب شوهرش به‌خاطر کارهایش سرزنش شده بود و حالا این مرد می‌خواست زن دیگری را وارد زندگی‌اش کند. شهلا می‌خواست از همسرش انتقام بگیرد و فکر می‌کرد با این کار او را از سر راهش برمی‌دارد. آن روز تازه متوجه شدم که حرف‌های او درباره این‌که می‌تواند با قدرتش مشکلات را حل کند، ادعاهای دروغینی برای کسب مال بوده؛ چرا که اگر این قدرت را داشت، دیگر لازم نبود برای انتقام از شوهرش نقشه بکشد و می‌توانست با قدرتش کاری کند تا مشکلاتش حل شود. در حقیقت او تنها با بازی با کلمات و پی‌بردن به زندگی خصوصی دیگران به بهانه حل مشکلات از آنها پول می‌گرفت و سر کارشان می‌گذاشت.

زن جوان گفت: آن روز شهلا با صحبت‌ها و حرف‌هایش این حس را در من به‌وجود آورد که حجت با خواستگاری‌اش به من بی‌احترامی کرده است.

## جنایت با نقشه قبلی

زن جوان که دیگر نمی‌توانست بغضش را کنترل کند، شروع به گریه کرد. او از کاری که کرده بود به‌شدت پشیمان بود و گفت: بعد از رفتن شهلا ماجرا را برای امیر، پسرم تعریف کردم. آن هم با آب‌وتاب؛ طوری که او از حجت کینه به دل بگیرد. خوب می‌دانستم حرف‌هایم باعث خشم امیر می‌شود. من با دست‌های خودم پسر را قاتل کردم. امیر بعد از شنیدن

چند سال پیش ماموران آتش‌نشانی به ما اعلام کردند پس از اطفای حریق خانه‌ای در حاشیه تهران با جسد مرد میانسالی در اتاق کارش روبه‌رو شده‌اند.

کشف جسد ما را راهی محل حادثه کرد. آتش تقریباً خانه را نابود کرده بود و صحنه حادثه قابل تشخیص نبود. می‌شد گفت که تمام سرنخ‌ها از بین رفته بود و همین مساله احتمال جنایت را مطرح می‌کرد. نظریه پزشکی قانونی که اعلام کرد مرد میانسال بر اثر اصابت جسم نوک‌تیز کشته شده، جایی برای شک ما نگذاشت.

## قاتلی آشنا

در تحقیقات اولیه این‌طور به نظر می‌رسید که عامل جنایت با مقتول به نام حجت آشناست. فرضیه اول خانواده حجت بودند اما آنها در زمان جنایت مهمان بودند. اگر هم آنها عامل قتل بودند، مستقیماً در این جنایت نقش نداشتند.

## ادعای عجیب

در ادامه به مودی برخوردیم که باعث شد تا همسر و پسر حجت را بازداشت کنیم. بر اساس تحقیقات ما، همسر حجت که شهلا نام داشت، مدعی بود که با دنیایی ماورایی در ارتباط است و برای حل مشکلات دیگران می‌تواند از قدرت ویژه‌ای که دارد کمک بگیرد. او برای ارتباط با مشتری‌هایش پسر جوانی را به عنوان پیشکار انتخاب کرده بود.

از طرفی تحقیقات ما نشان می‌داد که مقتول و همسرش اختلافات زیادی با هم داشته‌اند. این اطلاعات باعث شد که ما شهلا و دخترش را که همیشه از مادرش طرفداری می‌کرد، بازداشت کنیم. این احتمال وجود داشت که شهلا با همدستی دختر و پیشکارش به دلیل این‌که شوهرش با کارهای آنها مخالف بود، نقشه قتل وی را کشیده باشند.

## سرنخی مهم

حس کارآگاهی‌ام می‌گفتند آنها در قتل مرد میانسال نقش دارند اما مدرکی برای اثبات ماجرا وجود نداشت. فرزندان حجت از اختلاف پدر و مادرشان به‌خاطر پیشکار جوان صحبت می‌کردند.

**تولیدی فرآورده‌های کنجی درید**  
 ارده - حلوا ارده - روغن ارده کنجد خالص  
 تولید حلوا ارده با ارده ایرانی  
 اردگان پایتخت فرآورده‌های کنجی ایران  
 تلفن همراه جهت سفارشات  
 ۰۹۱۳۲۵۸۳۱۵۵  
 آقای طالبی ۰۳۵-۳۲۲۵۶۶۴۷

کارت وانت مزدا ۲۰۰۰، مدل ۱۳۹۱، رنگ نقره‌ای  
 آبی، شماره پلاک ایران ۳۸-۲۷۸ س ۱۹، شماره  
 موتور IROD911X3GL102771 و شماره شاسی  
 NAGP2PC11CA102771 به‌نام اسداله غلامی  
 مفقود و گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی سواری پژو پارس ELX-XUM، مدل ۱۳۹۴،  
 رنگ سفیدروغنی، شماره موتور 161M0003965،  
 شماره شاسی NAAN81UR6FH302242 و شماره  
 پلاک ۹۲۲ س ۴۲-ایران ۴۶ به‌نام اسمعیل باقری  
 مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی خودرو سواری پژو آردی آی 1600،  
 مدل ۱۳۸۴، رنگ یشمی-روغنی، شماره موتور  
 11784042854، شماره شاسی 13447731 و شماره  
 پلاک ایران ۳۶-۱۱۰۵۴۳ به‌نام عباس ضرغام‌پور  
 مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.